

ادامه از صفحه اول

### اولویت‌ها و دغدغه‌هایی برای دولت رئیسی (۲)

باقی حکایت روشن است: فرصت‌طلبانی مانند باکی زنجانی به قالب خودی درمی‌آیند و البته لای دندان نرسیدگان سیاسی نیز مژه می‌پرانند. این تصور که همه دزد و خیانت‌کار و جاسوس‌اند، سبب می‌شود که اندک‌اندک این سوسه در عمق جان شماری از اینان رشد کند که «اگر همه فاسدند چرا من نباشم!». به‌تدریج و به این روال، سیاست، خیانت، خودبتربینی و فساد به هم می‌آمیزند و فاسدترین دولت‌ها را تشکیل می‌دهند. در اینجا، یادآوری می‌کنم گفته‌های یکی از مدیران پیشین بانک مرکزی را که «زمانی در یک برگ کاغذ A4 فهرستی از کسانی تهیه شده و به بهانه تدارک و تنظیم امور و بدون هیچ‌گونه حساب‌وکنتاب رسمی دستور پرداخت میلیون‌دلاری داده شده بود که البته خوشبختانه، این یکی، ناگام مانده». بنای دیوان‌سالاری بر اعتماد شخصی سبب می‌شود که لشکرکشی توده‌های بی‌کار به دستگا اداری تسهیل شود؛ همان‌گونه که در دوران دولت‌های نهم و دهم شد. جذب بی‌توده‌ها از حکم یارگیری سیاسی است و نمادی از فساد سیاسی که در اداره امور عمومی متجلی می‌شود. فسادی که تحت لوای دولسوزی برای «خلق‌الله بی‌کار» انجام می‌شود. دهم، به فکر ستون‌های نامرئی ثبات سیاسی کشور باشید. این ستون‌ها توسط گروه‌های سیاسی شکل می‌گیرد. همه مردم همفکر شما نیستند. شماری از مردمان کرد یک ایده و گروه فرامی‌آیند و شماری دیگر پیرامون گروهی دیگر و بدین‌سان، امیدواری و شور و شوق به زندگی سیاسی می‌آید. اگر این دلخوشی‌ها را از آنان بستانید، پراکنده می‌شوند و راه برای ناهنجاری‌های مدنی و خشونت سیاسی هموار می‌شود. جوانان فعال سیاسی، از گرایش‌های گوناگون رادریابید. به‌ویژه برنامه منطقی برای ملاقات با احزابی که توسط جوانان ایجاد شده است بگذارید. آنها که جدی‌اند و دست‌ساخته مصنوعی نیستند، خطر کرده‌اند که حزب تشکیل داده‌اند. آنها را نباید به دست کسانی سپرد که همه فکر و ذکرشان در سال‌های اخیر تعقیب قضائی-امنیتی آنان یا مهندسی این نیروها بوده‌است. مهندسی سیاسی پشت پرده، آنها را دچار اختلال روانی، آفسردگی سیاسی و پژمردگی اجتماعی می‌کند. برخی، نیرنگ‌بازی‌های پشت پرده سیاسی را هنر خویش می‌پندارند و با رویاهای عدالت‌طلبانه و آزادی‌خواهانه این جوانان بازی می‌کنند؛ غافل از جفایی که به آرزوهای می‌کنند. خودتان مستقیم با جوانان فعال سیاسی نشست‌های غیرتبلیغاتی و فکری بگذارید. مهم‌تر از نشست آنکه با برنامه‌ای منظم سرآمدان آنها را به‌عنوان ناظر به جلسات کارشناسی کمیسیون‌های دولت و وزارتخانه‌ها راه دهید تا با پیچیدگی‌ها و واقعیت اداره کشور آشنا شوند. در چنین صورتی است که می‌توانند طرفداران ایشان را نیز با واقعیت‌های اداره کشور آشنا کنند. این فرصت مهمی برای نیروسازی و ثبات سیاسی است. تجربه این کار، به‌صورت بسیار محدودی در کمیسیون‌های دولت انجام شده است اما نیاز به نه‌پایه‌شدن دارد. وزارت ورزش و جوانان می‌تواند این کار را سازمان‌دهی کند. یازدهم، برخی مایل هستند از دولت شما یک دولت خودرأی بسازند بی‌نماینده. البته خوشبختانه، به قول مرحوم ماشینی‌فستجانی، برخلاف تبلیغات رسانه‌ای شخصیت معتدلی دارید اما این خطر همچنان وجود دارد. اما چگونه؟ از طریق هراس‌افکنی و سوساس. در تاریخ ایران افراد «سیاسی‌کار» حرفه‌ای داشته‌ایم. سیاسی‌کارهایی که به سباق لنین و بلشویک‌ها معتقدند که جامعه باید در بحران رادیکالیسم سیاسی باشد تا ناخالصی‌های اجتماعی پالوده شوند. اینان نیرنگ‌بازند، بدبینی و تفرقه را دامن می‌زنند و این را نشانی از هوش سیاسی خود می‌دانند. سیاست‌ورزی را مساوی با افشکاری‌های دروغین و پرده‌ری‌های هنجاری می‌شمارند و از آن مست و سرخوش‌اند. بدتر آنکه، سرمشقی مخرب برای جوانان بی‌بافت می‌شوند. باید به سازوکاری که شما را به ورطه اتان می‌کشاند، خوب توجه کنید. این سازوکار از جنس جنگ تبه‌پتن روایتی با مقامات و فشار روحی بر آنان است: آنها با هراس‌افکنی و مقدس‌مآیی روح را تسخیر می‌کنند. مقامات را از سوساس سیاسی گرفتار می‌کنند. این سوساس را هراس‌افکنی و «پیماز»‌تردید شروع می‌شود. ظاهراً متصلب، صادق و قوی‌اند اما در باطن سرشار از تردید به جهان و جهانپندان، می‌ترس‌اند و می‌هراس‌اند. نه‌تنها خود دچار ترس و تردیدند بلکه دیگران را نیز به همان هراس و بدبینی گرفتار می‌کنند. این، یک بیماری مری است. ضربات مداوم و خستکی‌ناپذیری بر روان جامعه و عقامت و روح رئیس را تسخیر می‌کنند. هراس متزلزل کرده و روح ریسان را تسخیر می‌کنند. هراس مقامات زمینه‌خوردنی‌ای است. آن‌گاه است که شما دیگر خودتان نیستید. روح افراطیون در شما حلول می‌کند و باقی حکایت… دوازدهم، در سمرقاله هفته گذشته پیشنهادی را درباره آموزش‌وپروورش ارائه کرده بودم که واکنش‌ها و پرسش‌هایی برانگیخت. سخن کلام این است: با فرض اینکه سرانه هر دانش‌آموز برای وزارت آموزش‌وپروورش مثلا پنج‌میلیون تومان باشد. طبق برآوردها، بخش خصوصی با ترتیباتی که در قالب شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود با دوسوم این هزینه و البته با کیفیت بهتر این کار به انجام می‌رسند. براساس این ایده، دولت به والدین اختیار می‌دهد که فرزندانشان را به یکی از ۱۰ مؤسسه بزرگ آموزشی بپسارند. این مدارس باید به‌تدریج، تکلید می‌کنم به‌تدریج و در یک بازه زمانی ۵ تا ۱۰ ساله ایجاد شوند و ایرادهای آنها به‌تدریج رفع و رجوع شود. هزینه سرانه دانش‌آموز در دولت از طرف والدین مستقیم به این مؤسسه‌های بورسی‌شده می‌پردازد.

ادامه در صفحه ۴

چرا اصلاح طلبان نمی‌خواهند یا نمی‌توانند مانیفستی جامع به جامعه ارائه دهند؟

# روزگار برزخی اصلاح طلبان

**علی صوفی: خاتمی باید در تدوین مانیفست پیش قدم شود**



به آنها پاسخ دهند؛ خواه بگویند شکستی در کار نبود و ما حذف شدیم یا بپذیرند که سید ار‌ای‌شان به‌شدت نست به همین هشت سال پیش کاهش یافته است و بپذیرند که حتی اگر نامزدهای مورد قبولشان در این دوره مانند جهانگیری، طریف یا سیدحسن خمینی هم به میدان می‌آمدند، بعید بود در نتیجه کلی انتخابات تفاوت محسوسی مشاهده شود. به نظر می‌رسد که پاسخ اصلاح‌طلبان هم در این برهه دیگر نمی‌تواند به یک بیانیه و چند مصاحبه و چند جلسه درون‌تشکیلاتی منحصr شود و حالا بیش از هر زمان ضرورت نگارش یک مانیفست دقیق، عینی و اجرایی، با مشخص‌کردن راهبردهای واقعی و صداآلبته مبتنی بر خواسته‌های امروز جامعه نگاشته شود. بعضا مشاهده شده است که برخی تفاوت مانیفستی را با بیانیه نمی‌دانند؛ برای مثال همین چند ماه پیش بود که بعد از تاسیس نهاد اجماع‌ساز گفته شد، جبهه اصلاحات مانیفست خود را منتشر می‌کند که بعد از انتشار آن معلوم شد که بازهم همان حرف‌های کلی بیان شده است و حتی با خواندن آن متوجه شدیم که در مانیفست ارجاع به آینده دارد؛ یعنی گفته شده است اصلاحات باید جامعه‌محور باشد که در هیچ کجای آن نیامده که منظور از جامعه‌محوربودن چیست و قرار است چگونه باکدام بخش از جامعه مواجه شود؟ و در واقع و عینی جامعه‌محوری چیست؟ یا عیبت‌ر اینکه به عنوان یکی از اهداف جبهه اصلاحات آمده بود: «جست‌جوی راهکارهای رسیدن به انسجام و وحدت حداکثری اصلاح‌طلبان و تدوین برنامه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و ارائه آن به جامعه با تأکید بر ارائه برنامه نجات اقتصاد کشور و کاهش مشکلات معیشتی مردم». نکته جالب در این بندها آن است که اصلاح‌طلبان در بیانیه‌ای که قرار بود کارکرد مانیفست داشته باشد، نوشته‌اند که تازه بنشینیم و راهکارهای رسیدن به انسجام را بررسی کنیم و وعده ارائه برنامه برای رفع همه مشکلات در آینده را داده‌اند که اتفاقا محل ارائه راهکار و برنامه مانیفست است نه جای دیگر. یا مثلا در جای دیگری از بیانیه نهاد اجماع‌ساز آمده بود که باید صاحبان قدرت را پاسخ‌گو کنیم و نگفته بود چطور؟ یا چه ابزاری؟ و یا چه رویکردی؟ یا جامعه مدنی باید تقویت شود و این در حالی است که رویکرد اصلاح‌طلبان در سال‌های اخیر به‌شدت در تضاد با جامعه مدنی بوده و همه حرف‌ها بر سر قدرت و نه توجه به جامعه مدنی بوده است. همه اینها نشان می‌دهد اصلاح‌طلبان درحال حاضر هیچ برنامه‌ای برای رفع مشکلات و نزدیکی به جامعه در سر ندارند و صرفا به ذکر کلیاتی می‌پردازند که شاید یک دانشجوی ترم اول رشته حقوق یا علوم سیاسی هم بتواند آنها را ارائه دهد.

بنابراین در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان بیش از هروقت نیاز به یک مانیفست روشن دارند تا هم تکلیف خودشان با جامعه روشن شود و هم جامعه بداند با چه نیروهای سیاسی‌ای روبه‌رو است؛ موضوعی که البته تعدادی ازگشت‌نهمار از اصلاح‌طلبان به آن توجه دارند؛ برای مثال چند روز پیش علی صوفی در گفت‌وگویی با بیان اینکه باید مانیفست اصلاحات به سرعت تبیین شود، گفت: «اصلاح‌طلبی که خاستگاهش جناح چپ بود دو ویژگی داشت؛ یکی اینکه طرفدار جمهوریست نظام بودند و با تهدیدهایی که علیه جمهوریست نظام بود، مخالفت می‌کردند. انسجام و تشکلی که تحت

## پرونده مرگ مشکوک قاضی مشهور همچنان بلا تکلیف

مرک‌بار، در پی برخورد یک سطح سخت رخ داده است. درنهایت هفته‌ها گذشت و عدم همکاری دادستانی رومانی با ایران سبب بی‌پاسم‌ماندن سوآلات در رابطه با دلیل و نحوه مرگ قاضی منصوروی شده.
نی فیلمی از روز حادثه به نمایش درآمد، نه حتی از افراد مشکوک

برای همکاری در قتل احتمالی بازجویی صورت گرفت. دادستانی رومانی بدون تلاش برای کشف حقیقت ترجیح داد جنازه را با تأخیری دوماهه به ایران بفرستد. روز چهارشنبه اول مرداد ۱۳۹۹، سایت توریئوز که نزدیک به شورای عالی امنیت ملی است، خبر داد که جسد غلامرضا منصوروی، به ایران منتقل شده و پلیس ورستی همراه با جسد وی، «۲۹ صفحه گزارش شرح ماجرا» را فرستاده است ولی «همچنان از تحویل تصاویر مربوط به دوربین‌های مداربسته هتل محل اقامت مقتول امتناع می‌کند». از سال گذشته تا امروز تغییر خاصی در پرونده مرگ مشکوک این قاضی رخ نداده اما هرازچندگاهی خانواده او از متهمان و روابط قاضی منصوروی در رومانی سخن گفته‌اند و در آخرین واکنش بیانیه‌ای را روز گذشته منتشر کردند که خبر از وجود یک پرستو در کنار قاضی منصوروی داده البته اینکه این پرستو برای تیروهایی در داخل کار می‌کرده یا خارج از کشور، از دید آنها نیز مبهم باقی مانده است.

در بخشی از بیانیه خانواده قاضی منصوروی آمده است: اگر قاضی منصوروی از سفارت اخراج نشده بود، قطعاً حلا زند بود و اگر در محیطی نامنی قرار نمی‌گرفت شاید به قتل نمی‌رسید و می‌توانست به کشور برگردد و در جلسات دادگاه شرکت کند و از اتهام انتسابی‌اش دفاع نماید و واقعیت قضیه برای همکاران روشن شود. این بیانیه مدعی شده است که «مکالمه‌ای از قاضی منصوروی موجود است که در آن صراحتا اعلام نموده است که علیه ایشان سناریویی از پیش طراحی شده و دستگیری وی توسط پلیس رومانی و کارشکنی در اعزام و انتقال او به ایران با توجه سفارت ایران بوده است که لازم است قضیه به‌صورت جدی پیگیری شود، چون آقای منصوروی آن‌طورکه در پیام تصویری‌شان اعلام نموده بودند، ۱۰۰ درصد قصد برگشت به کشور را داشتند و اصلا به همین منظور به سفارت مراجعه کرده بودند».

خانواده منصوروی مجدداً از سفیر وقت ایران در رومانی به‌عنوان یک متهم یاد کرده و نوشته‌اند: «چرا سفارت جمهوری اسلامی در رومانی از اقدامات صورت‌رفته نسبت به آقای منصوروی از زمان ورود به آن کشور و کسانی که قاضی منصوروی را به رومانی برده بودند و او را تا آخرین لحظه همراهی کرده بودند و در نحوه پذیرش ایشان در سفارت و استقرار دو شیانه‌روز در آنجا و چگونگی اخراجش از سفارت و از نحوه انتقال و تفریح بهره به پلیس رومانی توسط کارمند و ماشین سفارت ایران و زمانی که در اختیار

## سیاست

عنوان نظام چپ وجود داشت، در مقابل جریانسی بود که قائل به حکومت اسلامی بود نه جمهوری اسلامی؛ بنابراین به لحاظ سیاسی جناح چپ و بعد اصلاح‌طلبان ماموریت اول خود را دفاع از جمهوریت نظام به عنوان دستاورد اول انقلاب می‌دانستند و سعی می‌کردند با حضور در انتخابات و تقویت نهادهای انقلابی این جمهوریت را تقویت کنند و نقش حاکمیت مردم بر سرنوش‌ت خود را در جامعه پررنگ کنند. در شرایط فعلی اصلاحات چاره‌ای جز برگشتن به رویکرد مهم عدالت اجتماعی ندارند که در چهار سال آینده این می‌تواند زیر بنای حرکت اصلاح‌طلبی باشد. من فکر می‌کنم همان‌طورکه آقای خاتمی در بیانیه بعد از انتخابات مطرح کردند، همین دو رویکرد را مدنظر قرار دادند. آقای خاتمی باید در چهار سال آینده حول این دو محور، انسجامی بین اصلاح‌طلبان ایجاد کند و در تدوین مانیفست پیش قدم شوند.

**حجرباریان:اصلاح‌طلبان نمی‌توانند هم‌زمان روی ۲ صندلی بنشینند**
سعید حجاریان هم سال گذشته درباره وضعیت اصلاح‌طلبان گفته بود: «امروز، قریب ۲۳ سال از دوم خرداد گذشته‌ست و چارچوب‌ها کم‌وبیش مشخص است. شاید بتوانیم برای اصلاح‌طلبی متنی از جنس مانیفست تهیه کنیم تا افراد و احزاب خود را با آن تطبیق دهند و دیگران نیز بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند؛ اما در کوتاه‌مدت معتقدم اصلاح‌طلبی علاوه بر دموکراسی و لوارزش باید درباره چند مولفه نظر دقیق و صریح داشته باشد. نخستین آنها عدالت است. دومین آنها بحث شهروندی است. سومین مولفه، الگوی سیاست‌ورزی است. چهارمین مولفه سیاست خارجی است. اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان دیگر نمی‌توانند هم‌زمان روی دو صندلی بنشینند و هم این باشند و هم آن. حالا ممکن است کسی اسم این رویکرد را تئوری یاداند، خوب بداند.»

**علوی‌نبار:گرایش‌های اصلاح‌طلبی می‌توانند مانیفست بنویسند**
علیرضا علوی‌نبار هم سال قبل گفته بود: «گرایش‌های مختلف درون جریان اصلاحات می‌توانند هرکدام مانیفست پیشنهادی خود را بنویسند و آنگاه آن را در عرصه نقد و بررسی دیگران قرار دهند. پس از یک دوره قابل‌قبول اگر به داشتن یک مانیفست مشترک نزدیک شدند که چه بهتر اما اگر نه آن‌گاه افراد مختلف و احزاب گوناگون می‌توانند تمایل خود را به هریک از این بیانیه‌های اعلام مواضع نشان داده و به تفاوت‌ها و تنوع رسمیت ببخشند.»

**شکوری‌راد:اصلاحات زمان خاتمی، اصلاحات رویکردها بود**

علی شکوری‌راد هم معتقد است: «اصلاحات زمان خاتمی اصلاحات در رویکردها بود، اصلاحاتی که ما از آن دم می‌زنیم اصلاح در رویکردهاست؛ اما وقتی امکانش فراهم نمی‌شود، دو کتش به وجود می‌آید. اصلاح در رویکردها به نتیجه نمی‌رسد. عده‌ای می‌خواهند سیاست‌خارا را اصلاح کنند، چراکه گمان می‌برند ساختارها امکان اصلاح ندارد و عده‌ای نیز به انفعال می‌افتند و دست می‌کشند. اصلاحات هیچ‌گاه به بن‌بست نمی‌رسد و اصلاح‌طلبی به بن‌بست نمی‌رسد؛ اما ممکن است در دستیابی به اهدافش با مشکل بخورد یا کند شود.»

**تاجزاده:اصلاحات به پایان نرسیده‌است**

مصطفی تاجزاده دو سال پیش درباره وضعیت کلی اصلاح‌طلبان گفته بود: «عدم تمایل اکثریت ملت ایران به تغییرات خشونت‌آمیز باعث می‌شود اصلاحات هنوز توان این را نداشته باشد تا به شرط انجام اصلاحات لازم در خود، مطرح باشد. دلیل دیگر اینکه هنوز اصلاحات به پایان نرسیده است که تجربه ما در طول سال‌های گذشته به‌ویژه بعد از حوادث ۸۸ نشان داده که جمهوری اسلامی در شرایط سخت اگرچه دیر و با هزینه‌های غیرضروری، توانسته تصمیمات درستی اتخاذ کند؛ با توجه به این تجربه، این امید ایجاد می‌شود که بازهم تصمیم درستی اتخاذ شود و راه برای اصلاحات بنیادین برای جامعه ما پیدا شود.»

**مرعشی: اصلاح‌طلبی نمی‌میرد**

حسین مرعشی که گفته بود: «اصلاح‌طلبی نمی‌میرد، ممکن است افراد جابه‌جا شوند. الان بهزاد نبوی از کارگزاران جلوتر است.»

پلیس بوده و زمانی که به دادگاه مراجعه می‌کرده و از ارتباطات شخصی که همراه قاضی منصوروی بوده و بعد از قتل ایشان از رومانی به فرانسه فرار کرده است، گزارش می‌دهد؟ شخص مورد اشاره در ارتباط با آقای منصوروی به چه عنوانی به سفارت مراجعه می‌کرد؟».

برای چندمین بار از نقش زنی که همراه قاضی منصوروی در رومانی بوده نیز یاد کرده‌اند و در بیانیه آورده‌اند «بعد از اینکه قاضی منصوروی در شهر بخارست تحویل پلیس رومانی داده می‌شود و ایشان را به دادستانی می‌برند، دادستان رومانی مدارکی را به ایشان نشان می‌دهد که قاضی منصوروی متوجه می‌شود که شخصی که همراه ایشان بوده و سال‌هاست با ایشان و اطرفیان وی رفت‌وآمد خانوادگی داشته است (اینجا) سناریویی را علیه ایشان و بستگان قاضی منصوروی طراحی کرده که قاضی منصوروی بلافاصله از همان دادستانی رومانی با بنده و بعضی دیگر از بستگان تماس گرفته و اعلام نموندن که درخصوص ایشان مسئله نفوذ توسط آن فرد نام‌اشنا صورت گرفته است و تأکید می‌کرد کاش این فرد موارد واقعی و راست را گزارش کرده بود نه اینکه هزاران دروغ و موارد غیرواقعی را در یک ساعت از پیش طراحی شده مطرح کند که قابل صوتی آن موجود است. البته ما تا بعد از دستگیری قاضی منصوروی که ایشان درخصوص حضور و همراهی این فرد (نفوذی) به ما تلفن کرد، از وجود این فرد که ایشان را همراهی می‌کرد، اطلاعی نداشتیم، و ما نمی‌دانیم که این فرد که برحسب مکالمه موجود و به‌جامانده از قاضی منصوروی این سناریو را طراحی کرده و مسئله نفوذ را اجرا کرده است، آیا برای افرادی در خارج از کشور و معاندین نظام این کار را انجام می‌دهد یا برای افرادی در داخل کشور که آقای محبتی ذوالنوری، رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی مجلس به‌عنوان باند مخوف در داخل قوه قضائیه از آنها نام برده است». در پایان نیز از دستگاه قضا خواستار رسیدگی سریع و دقیق را مطالبه کرده و از تهدید برای عدم پیگیری پرونده نوشته‌اند «باید تمام کسانی که به هر نحوی با قاضی منصوروی در ارتباط بودند صورت‌گرد تحقیق قرار گیرند؛ چراکه در ماه‌های اخیر مزاحمت‌هایی علیه ما صورت گرفته است که در یک نمونه چندی قبل فردی مدعی شد در صورت ادامه پیگیری پرونده قاضی منصوروی توسط خانواده آن مرحوم، حامل پیام‌های تهدیدآمیزی برعلیه ما خواهد بود». هرچند ما کلیت این پیام‌ها را مردود می‌دانیم.»

گره‌های متعدد پرونده مرگ مشکوک این قاضی با توجه به عدم همکاری دادستانی رومانی شناسن کمی برای بازشدن دارند و شاید هرگز دلیل این مرگ مشخص نشود اما آنچه مسلم است حذف فیزیکی این متهم به نفع افرادی بود زیرا انجام تخلفات و جرائمشان از دید قاضی بهره جسته بودند و اکنون در حاشیه امنیت قرار دارند.

روزنه

اسحاق جهانگیری:

### بوروکراسی نظام اداری ایران از عوامل مخل توسعه کشور است

● ایسنا: معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد هماهنگی و راهبری نقشه مهندسی فرهنگی کشور، با اشاره به گزارش دبیرخانه ستاد درخصوص وضعیت اجرای نظام‌نامه بیوسست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور، گفت: لازم است تهیه بیوسست فرهنگی برنامه‌ها و طرح‌ها مشتمل بر شاخص‌های شفاف و قابل ارزیابی با چارچوبی دقیق باشد تا دستگاه‌های محری طرح‌های کلان به‌صورت دقیق و روشن وظایف و تکالیف خود را بدانند. اسحاق جهانگیری از بوروکراسی موجود نظام اداری ایران به‌عنوان یکی از عوامل مخل توسعه کشور نام برد و افزود: تهیه و تدوین اسناد متعدد در کشور باعث شده تا برخی از طرح‌ها و برنامه‌ها متوقف شود و بعضا این اسناد خود به عاملی برای جلوگیری و ممانعت از پیشبرد امور تبدیل شده‌اند. او افزود: وضعیت فرهنگی و اجتماعی امروز جامعه مانند حاشیه‌نشینی کلان‌شهرها و سایر آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، حاصل تبعات و پیامدهای منفی تصمیمات آحاد گذشته است که اگر در آن سال‌ها پیامدهای اجتماعی هر تصمیم در قالب بیوسست فرهنگی منظر قرار می‌گرفت شاید وضعیت امروز جامعه به لحاظ آسیب‌های اجتماعی متفاوت بود. او با یادآوری جلسات برگزارشده در خصوص آسیب‌های اجتماعی که در حضور مقام معظم رهبری برگزار شد، عنوان کرد: در یکی از این جلسات تاجزاده اعلام کرد که ۱،۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای اجرای طرح‌های اشتغال‌زای روستایی که منجر به ماندگاری روستاییان در روستاها و جلوگیری از حاشیه‌نشینی و گسترش حاشیه‌نشینی می‌شود، اختصاص باید که خوشبختانه گزارش‌ها نشان می‌دهد این طرح با نتایج مثبتی همراه بوده و بعضا شاهد مهاجرت معکوس به روستاها هستیم.

### پاسخ کواکیبان به دفتر ابراهیم رئیسی

● شرق: مصطفی کواکیبان، نماینده سابق مجلس و دبیرکل حزب مردم‌سالاری، در تویییت نوشت: در پاسخ به تماس دفتر جناب رئیسی جهت ارائه پیشنهادت، با آرزوی موفقیت برای ایشان، نشست مورخ ۲۷ آبان ۱۳۹۸ فراکسیون دیپلماسی با حضور ۸۰ نفر نمایندگان مجلس دهم را یادآور شدم و در پایان، پیگیری ایشان را برای انتشار دلایل و مستندات عدم احراز صلاحیتم از سوی شورای نگهبان خواستار شدم.

میرسلیم درباره محدودشدن فضای مجازی:

### جریان‌های مالی کثیف و مشکوک مخالف هستند

● مهر: عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در خصوص علل و ضرورت تدوین طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، عنوان کرد: شاید افرای نباشد اگر بگویم وضع ما در جمهوری اسلامی ایران متأسفانه به لحاظ بی‌قانونی در زمینه فعالیت‌های فضای مجازی استثنائی است و هرکس، از بیگانه و آشنا، هر اقدامی که بخواهد می‌تواند در فضای مجازی انجام دهد بدون آنکه رسماً امکان رسیدگی به حق و تکلیف وجود داشته است که طبیعی است که با مطرح‌شدن حد و مرز مجاز و ایجاد قانون‌مندی، فریاد همین افراد به آسمان می‌رود که با تصویب طرحی جنجالی قرار است به آزادی‌ها حمله شود و جلوی کسب‌وکارها گرفته شود و از اطلاع‌رسانی ممانعت به عمل آید. مصطفی میر سلیم افزود: البته این ادعاها تا حدودی درست است زیرا با آن قانون‌مندی بسیاری از کسب‌وکارهای پلید سابق می‌شوند و جلوی جریان‌های مالی کثیف و مشکوک گرفته خواهد شد و برعکس کسب‌وکارهای قانونی و مجاز نه‌تنها متوقف نمی‌شود که با انواع ناواری که امکان تلور آن در فضای مجازی وجود دارد، به‌شدت رونق می‌گیرد. البته به‌صورت ضابطه‌مند و هدف طرح قانونی نیز همین است. فلسفه مطرح‌شدن قانون صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، ایجاد شفافیت در مورد فعالیت‌های گوناگون در فضای مجازی و ممانعت از کسب‌وکارهای غیرشفاف و تبهکارانه و مغرب و پولشویانه است و همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی آقاچه‌رانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، درباره طرح ساماندهی پیام‌رسان‌ها که قرار است دو هفته دیگر به صحن مجلس شورای اسلامی برود با اشاره به اینکه این طرح ربطی به فیلترینگ ندارد، گفت: کجای دنیا به غیر از ایران این است که در فضای مجازی از خارج از کشور هرکاری خواستند انجام دهند، بتوانند آن را انجام دهند؟ اکنون به‌واقع فضای مجازی به حال خودش رها شده است اما با طرحی که به صحن مجلس خواهیم برد، آن را مدیریت خواهیم کرد. او با اشاره به برخی مواردی که در فضای مجازی کنترل نشده است، افزود: به عنوان مثال در شب انتخابات ریاست‌جمهوری که تبلیغات برای کاندیداها ممنوع است و رسانه‌های داخلی و صداوسیما تبلیغات انجام نمی‌دهند، اما آمریکا و صهیونیست‌ها در اینستارگرام، تلگرام و توئیتر دستشان باز است و می‌توانند هرکاری که می‌خواهند انجام دهند. ما برای این موضوع برنامه‌های بسیاری داریم و ۳۰ ماده قانونی نوشته‌ایم.